

## پیامدهای رویکرد برنامه‌ریزی متخصص محور در توانمندسازی و توسعه پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان‌های پاکدشت و ری)

ناصر شفیعی ثابت\*<sup>۱</sup>، نگین سادات میرواحدی<sup>۱</sup>

۱- گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۲۵

تأیید نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۱

### چکیده

بر اساس واکاوی متون توسعه تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد عقلایی‌گرایی فن محور با اصالت متخصصین بر روش برنامه‌ریزی در اغلب کشورها غلبه داشت. این پژوهش به بررسی جایگاه شاخص‌های توانمندسازی متأثر از رویکرد حاکم بر فراگرد برنامه‌ریزی و پیامدهای حاصل از آن در توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی پرداخته است. در این راستا، با اینکه توانمندسازی مولد روستاییان تضمین‌کننده توسعه روستایی است، لیکن برنامه‌ریزی از بالا به پایین و متخصص محور موجب توانمندسازی نامولد روستاییان در ناحیه مورد مطالعه شده است و نتوانسته آن‌ها را به‌مثابه یکی از عناصر قدرت در حوزه مداخله‌ی برنامه‌ریزی روستایی درآورد. برای تبیین دقیق موضوع مسئله، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بر روی ۵۴ روستای نمونه از ۱۲۴ روستای ناحیه مورد مطالعه انجام شد. در واقع رویکرد برنامه‌ریزی متخصص محور به‌صورت سلطه‌آمیز نتوانسته احساس معنی‌دار بودن، شایستگی، خودباوری، اعتماد، قدرت و توانمندی را در بین روستاییان ایجاد نماید. به‌گونه‌ای که باعث نارسایی در توسعه سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد محیطی - اکولوژیک، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی شده و تنها در ارتقاء شاخص‌های کالبدی و زیرساختی روستاهای مورد مطالعه اثرگذار بوده است. بنابراین، تغییر به‌سوی رویکرد اجتماع‌محور به‌منظور ارتقاء شاخص‌های توانمندسازی و توسعه پایدار روستایی پیشنهاد می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** توانمندسازی، توسعه روستایی، شهرستان‌های پاکدشت و ری، رویکرد برنامه‌ریزی متخصص محور.

## مقدمه

براساس ادبیات و متون توسعه تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد عقل‌گرایی فن محور بر روش برنامه‌ریزی غلبه داشت. بر این مبنا، برنامه‌ریزی متخصص محور، با اتکا بر دانش فنی برنامه‌ریزان و ابزارها و روش‌های علمی صورت می‌گرفت. شالوده این رویکرد بر انجام کلیه مراحل برنامه‌ریزی با اصالت «برنامه‌ریزان فن‌گرا» است و به مردم تنها به‌مثابه مرجع کسب اطلاعات ضروری توجه می‌شود (Healey, 2004). انجام مراحل برنامه‌ریزی توسعه براساس این رویکرد، که در بسیاری از کشورها همچون ایران رایج است، چالش‌های زیادی در فراگرد برنامه‌ریزی و توسعه کانون‌های روستایی و شهری این کشورها ایجاد می‌کند. بنابراین، در بحث برنامه‌ریزی توسعه روستایی آنچه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد فراهم‌سازی زمینه‌های مشارکت مردم است. بهره‌گیری از توانمندی‌های مردم محلی موجب تفکیک بین دو شیوه برنامه‌ریزی برای مردم و برنامه‌ریزی با مردم شده که در برنامه‌ریزی توسعه روستایی تأکید بر شیوه دوم است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸). برای جهت‌یابی برنامه‌ریزی توسعه روستایی - شهری به سوی پایداری اجتماعی - اقتصادی و فراگرد توسعه پایدار توجه به مقوله توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، توسعه ظرفیتی و مشارکت ساکنان کانون‌های جمعیتی در فراگرد انجام و عمل برنامه‌ریزی از بنیادی‌ترین مقوله‌هایی است که در برنامه‌ریزی‌های توسعه موردتوجه ویژه قرار گرفته است (راسل، ۱۳۸۶؛ Amundsen and Martinsen, 2015). به‌طوری‌که مشارکت سازمان‌های دولتی و غیردولتی و مشارکت سایر بازیگران در برنامه‌ریزی‌های توسعه موجب یکپارچگی افقی و عمودی می‌شود؛ اما به

دلایل گوناگون در برخی از کشورها، اهمیت به‌کارگیری این مؤلفه‌ها در فراگرد عمل برنامه‌ریزی و در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی و ملی نادیده گرفته می‌شود؛ بی‌توجهی به این‌گونه برنامه‌ریزی‌ها و غفلت از مشارکت سازمان‌های مردمی در راستای توانمندسازی و یکپارچگی عمودی و افقی در برنامه‌ریزی‌ها (Draft Louth County Development Plan, 2014) نیز توسعه پایدار را در ابعاد گوناگون در سکونتگاه‌های روستایی و شهری تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. توجه به توانمندسازی و ظرفیت‌سازی ذی‌نفعان روستایی با تکیه بر «رویکرد ارتباطی» در برنامه‌ریزی به‌وسیله یورگن هابرماس (مکتب انتقادی فرانکفورت) و سپس فورستر (۱۹۹۳، ۱۹۸۹، ۱۹۸۵) به‌عنوان یک روش جایگزین در مقابل «رویکرد عقلایی‌گرایی فن محور» مطرح شد. در ناحیه مورد مطالعه نیز مجموعه‌ای از طرح‌ها و پروژه‌ها برای روستاییان توسط سازمان‌های گوناگون برنامه‌ریزی شده است. چیرگی «رویکرد متخصص محور<sup>۲</sup>» و «از بالا به پایین<sup>۳</sup>» در روش و مراحل نظام برنامه‌ریزی توسعه در ایران، اثرات مخرب محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی، در سکونتگاه‌های روستایی به‌ویژه در ناحیه مورد مطالعه به همراه داشته است. بدین- ترتیب ضرورت دارد پیامدهای این‌گونه برنامه‌ریزی در فراگرد توسعه پایدار روستایی در این پژوهش مورد واکاوی قرار گیرد. در این راستا، تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی همان‌گونه که به اتخاذ رویکردهای مناسب توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی متکی است، نیازمند بهره‌گیری از رویکردی سازگار و مؤثر در فراگرد برنامه‌ریزی توسعه است. تاکنون دو رویکرد «عقلایی‌گرایی

افتخاری و بدری، ۱۳۹۰). فرهنگ انگلیسی آکسفورد کلمه "Empower" را این چنین تعریف کرده است: اعطای قدرت یا اختیار به کسی تا بتواند چیزی را انجام دهد و یا ایجاد این احساس در فرد تا او بتواند کارهای بیشتری را انجام دهد (زمانی فر، ۱۳۸۷). کانتر (Kanter, 1993) توانمندسازی را اعطای قدرت به افرادی می‌داند که در نقاط ناکارآمد حضور دارند. او قدرت را در یک پیوستار تجسم می‌کند که در یک انتهای آن افراد فاقد قدرت و در انتهای دیگر افراد توانمند با اعتماد، انگیزش، تصمیم‌گیری و به خصوص شکستن مرزهای درونی بین مدیریت و کارکنان ارتباط دارد (Kanter, 1993). به عبارت دیگر، مفهوم توانمندسازی در کانون مفاهیم جدید توسعه و تقویت راهبردهای فقرزدایی به‌ویژه در مناطق ضعیف‌تر قرار دارد. توانمندسازی فراگرد عمل (اقدام) اجتماعی است که مشارکت مردم، سازمان‌ها و جوامع را در دستیابی به اهداف خود ارتقا می‌دهد. با این نگاه توانمندسازی به معنای قدرتمند شدن یا به عبارتی به قدرت دست یافتن جهت تسلط بر دیگران نیست، بلکه بیشتر قدرتی است که با دیگران جهت تغییر مؤثر و اثربخش تشریک‌مسابی می‌کند (رضوانی، ۱۳۹۰). ابعاد توانمندسازی عبارت‌اند از:

آموزش و آگاهی بخشی: آموزش در روند توانمندسازی، به معنی انتقال نظام‌مند دانش، اطلاعات و مهارت‌هایی است که به اشکال گوناگون و باهدف تقویت توانمندی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی و بهبود فرصت‌های شغلی آنان با تأکید بر خوداتکایی جامعه هدف انجام می‌شود. دانش و مهارت: اطلاعاتی است که باتجربه؛ تعبیر و تأمل ترکیب شده است و اقدام صحیح را ممکن می‌سازد.

فن محور» با اصالت متخصصان و «ارتباطی» درباره چهارچوب و فراگرد برنامه‌ریزی توسعه به بحث گذاشته شده است که [در نظام برنامه‌ریزی ایران] بهره‌گیری از «رویکرد عقلایی گرای» در فراگرد مذکور چیرگی داشته است؛ و رویکرد ارتباطی که از اواخر قرن بیستم در ادبیات برنامه‌ریزی جهان مورد توجه قرار گرفته، کاربرد چندانی پیدا نکرده است. به دنبال نابسامانی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی حاصل از «رویکرد عقلایی گرای فن محور»، «رویکرد ارتباطی» وارد ادبیات برنامه‌ریزی توسعه شد و طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از جانب اندیشمندان، به ویژه دانشمندان علوم اجتماعی مکتب انتقادی فرانکفورت، همچون یورگن هابرماس مورد انتقاد قرار گرفت (Healey, 1997; Shafieisabet and Mirvahedi, 2019). برنامه‌ریزی با رویکرد ارتباطی به‌عنوان یکی از روش‌های برنامه‌ریزی در طول دهه گذشته است که در آن تصمیم‌گیری در مورد مسائل توسط همه افراد درگیر در موضوع گرفته می‌شود. در این رویکرد یک تغییر اساسی در حالت‌های موجود است و از بارزترین بازیگران آن سازمان‌های غیردولتی هستند (Martens, 2001). برنامه‌ریزی توسعه روستایی فراگرد افزایش انتخاب مردم، گسترش دموکراتیک، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مردم به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقیران و کشاورزان مستقل و آزاد برای سازمان‌دهی فضای زیست خویش و تواناسازی برای انجام کار گروهی است. در این چارچوب است که با نظریه‌های جدید توسعه یعنی ظرفیت‌سازی و توانمندسازی و شبکه‌ای به‌عنوان کانون و پارادایم جدید همسو می‌شود (رکن‌الدین

به‌عنوان اصول راهبردی مطرح می‌باشد و برای تحقق توسعه پایدار توجه به این اصول اجتناب‌ناپذیر است (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰). توانمندسازی دارای ۵ مرحله است که عبارت‌اند از: ۱) شرایطی که منجر به ایجاد حالت روحی - روانی، احساس عدم برخورداری از قدرت در افراد می‌گردد؛ ۲) به‌کارگیری راهبردها و تاکتیک‌های مدیریتی؛ ۳) فراهم آوردن اطلاعات مربوط به خودباوری در مورد افراد از جمله در حاشیه مانده‌ها؛ ۴) نتایج حاصل از تجربه توانمندسازی در مورد افراد از جمله در حاشیه مانده‌ها؛ ۵) ابتکار عمل در راه دستیابی به اهداف وظیفه‌ای که منجر به تلاش مداوم در این مسیر می‌شود (Amundsen and Allmendinger, 2015). آلمندینگر (Martinsen, 2015). تأکید می‌کند که فن‌گرا بودن بیش از حد یکی از چالش‌های نظری و عملی برنامه‌ریزی است و در ابعاد توسعه اثر منفی می‌گذارد. برنامه‌ریزی با رویکرد ارتباطی - مشارکتی یک مسیر و جهت مهم برای برنامه‌ریزی است و پتانسیل‌های قابل توجهی برای عمل‌داراست. در پژوهشی دیگر، نظریه برنامه‌ریزی ارتباطی با تأکید بر فراگردهای مشارکتی به‌طور گسترده به‌عنوان پارادایم جدید و غالب در برنامه‌ریزی مطرح شده و برنامه‌ریزی که با اصالت متخصص انجام می‌شود در ابعاد گوناگون توسعه اثر منفی بر جای می‌گذارد (Foley and Lauria, 2000). به‌سخن دیگر، برنامه‌ریزی که با اصالت متخصص انجام می‌گیرد غیر مشارکتی است. از این‌رو بانک جهانی از مواردی مانند توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، اثربخشی، اشتراک‌گذاری هزینه و بهره‌وری که در توسعه مؤثرند بهره‌برده است (Paul, 1987). به گونه‌ای که، در فراگرد برنامه‌ریزی رویکرد اتخاذ

معنی‌دار بودن: یعنی اینکه فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد بامعنی و ارزشمند تلقی کند؛ شایستگی: شایستگی یا خودباوری، اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارها است؛ تأثیر: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا است؛

خود تعیینی: یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌ها است؛ درحالی‌که شایستگی یک مهارت رفتاری است همچنین، به آزادی عمل شاغل در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی اطلاق می‌گردد؛

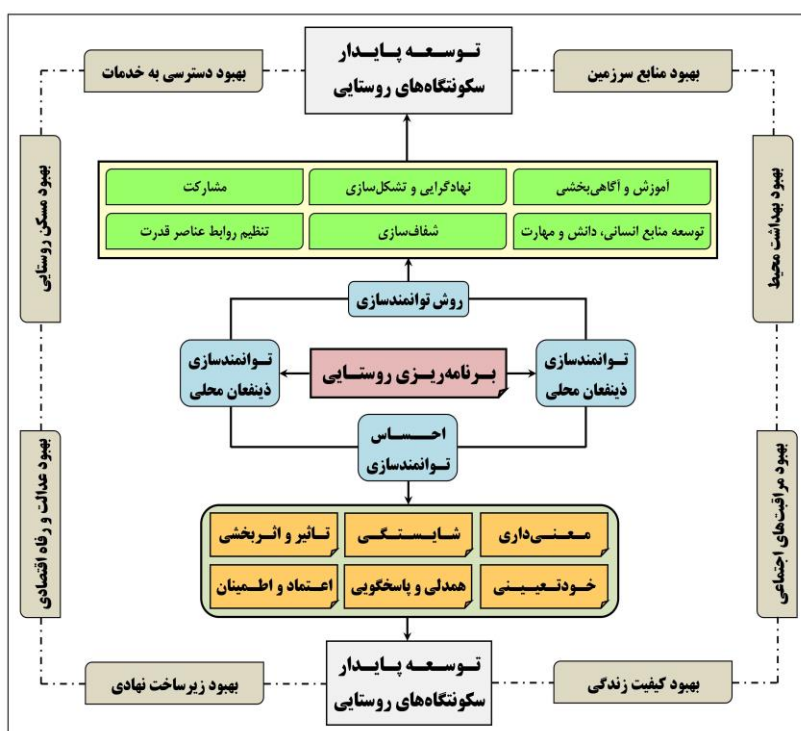
اعتماد: در نهایت اعتماد به معنی آن است که افراد احساس کنند که با آن‌ها منصفانه و یکسان برخورد خواهد شد (Fernandez and Moldogaziev, 2013).

توانمندسازی از طریق مشارکت فعال ذی‌نفعان محلی در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و همچنین اجرای پروژه، افراد را قادر می‌سازد در راستای بهبود جوامع گام بردارند و در مناطق روستایی کشورهای گوناگون در راستای کاهش فقر می‌تواند نتایج ارزشمندی به بار آورد از جمله اینکه در این فراگرد روستائیان توانایی‌های خود را گسترش می‌دهند، مشارکت آن‌ها در امور بیشتر می‌شود و اعتماد به نفس در آن‌ها رشد می‌کند. برای کمک به جوامع فقیر برای اینکه از ناامیدی به اعتماد به نفس برسند نیاز به نوعی مداخله خارجی به‌عنوان مشوق می‌باشد تا جهت حرکت جامعه را به جهت مثبت سوق دهد. توانمندسازی و ارائه کمک‌های مالی و فنی در این راه بسیار ضروری است. بنابراین در چهارچوب پارادایم نوین، مشارکت همه مردم، توجه به حقوق انسان‌ها و مکان‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندسازی در فراگرد برنامه‌ریزی

تهیه برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در سطح محلی، نبود رابطه منطقی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی برنامه‌ریزی و حاکمیت تصمیم‌گیری بالا به پایین در این زمینه، حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی، نبود مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی و کم توجهی به نگرش یکپارچه در برنامه‌ریزی و توسعه روستایی را مهم‌ترین ویژگی‌ها یا به عبارتی نارسایی نظام برنامه‌ریزی است که اصلاح نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی ضروری قلمداد می‌شود (رضوانی، ۱۳۹۰). به سخن دیگر، در رویکرد عقلایی‌گرایی به دلیل «تخصص محوری» و «ویژگی غیر مشارکتی» با ناکامی‌ها و ناتوانی‌های زیادی روبه‌رو بوده؛ و در شرایط کنونی اتخاذ رویکرد ارتباطی از ضرورت‌های مهم فراگرد برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور انگاشته می‌شود (افتخاری و بهزاد نسب، ۱۳۸۳). همچنین درجه مطلوبیت، تناسب و سازگاری برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ارتباط نزدیکی با روش حاکم بر چگونگی عمل برنامه‌ریزی دارد. هرچه میزان درک متقابل و همراهی کنشگران اصلی، یعنی مردم محلی، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی در مرحله‌ی برنامه‌ریزی بیشتر باشد، تصمیمات برای توسعه روستا از سازگاری، پذیرش و اثربخشی بیشتری برخوردار خواهد شد و این مقوله بستگی به رویکرد اتخاذ شده در روش برنامه‌ریزی دارد. تا دهه ۱۹۸۰، بر نقش برنامه‌ریزان متخصص بیشتر از سایر کنشگران در برنامه‌ریزی تأکید می‌شد. به تدریج ناتوانی‌های این رویکرد آشکار شد و در رویکردهای نوین توسعه و توسعه روستایی، جای خود را به رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی داد (بهزاد نسب، ۱۳۸۹). براساس ادبیات و پیشینه موضوع و همچنین هدف اصلی پژوهش چهارچوب مفهومی برای تجزیه و

شده باید به‌گونه‌ای باشد تا توانایی افراد را برای به دست گرفتن و کنترل توسعه فراهم سازد. الگوی بهینه برنامه‌ریزی با توجه به افزایش توانمندسازی افراد برای رفع نیازهای آینده همراه باشد (Kennedy, 1996). در این راستا، در برنامه‌ریزی‌های توسعه به توانمندی افراد و نهادها در نواحی گوناگون و ایجاد پویای مردمی برای برنامه‌ریزی غیرمتمرکز بهترین روش قلمداد شده است (Isaac and Harilal, 1997). به عبارت دیگر، اعمال توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، شفاف‌سازی و پاسخ به نیازهای جوامع محلی در برنامه‌ریزی توسعه باعث می‌شود که دولت‌های محلی به شراکت در یک گفتگوی سازنده با جامعه مدنی ترغیب شوند و این بهترین راه برای سنجش نیازهای جوامع محلی می‌باشد (UN, 2005). البته با توجه به هر دولت، شکل گوناگونی از برنامه‌ریزی نیاز است. در ساختار اکثر دولت‌ها برنامه‌ریزی فنی - ابزاری و از بالا به پایین است. بنابراین، برنامه‌ریزی ارتباطی به‌عنوان یک پیش‌نیاز در ساختار موجود مطرح است که براساس مشارکت در بخش خصوصی، دولتی و داوطلبانه و در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی برقرار شود و تغییر رویکرد از فنی - ابزاری به ارتباطی در برنامه‌ریزی عامل مهمی در تقویت مشارکت، توانمندسازی و سایر انگاره‌های نوین در فراگرد توسعه است (Amdam, 2005). بنابراین، رویکرد مشارکتی در فراگرد برنامه‌ریزی توسعه موجب مشارکت گسترده‌تر و تعامل ذی‌نفعان کلیدی، شفاف‌سازی عمومی و پاسخگویی سازمان‌ها و نهادها می‌شود و دستیابی به توسعه پایدار مستلزم توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، مشارکت و به‌کارگیری توان جمعی بازیگران گوناگون است و باید توسط دولت و برنامه‌ریزان توسعه انجام گیرد (Ondrik, 1999). در ایران هم نبود برنامه‌ریزی و

تحلیل شاخص‌ها و متغیرها ارائه می‌شود (شکل ۱).

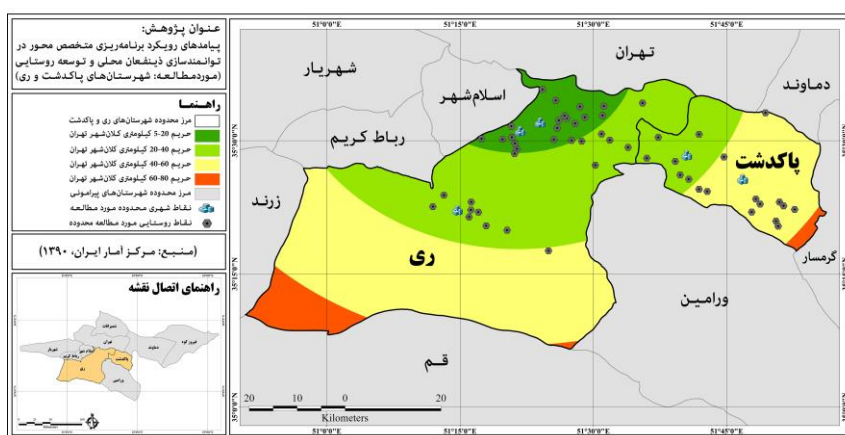


شکل ۱: چهارچوب مفهومی پژوهش

### منطقه مورد مطالعه

سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه در شهرستان‌های پاکدشت و ری در حوزه جنوب و جنوب‌شرق استان تهران استقرار یافته‌اند. مساحت این ناحیه معادل ۲۸۷۴ کیلومتر مربع است و

۱۱/۹۴ درصد مساحت استان تهران را در برمی‌گیرد (سالنامه آماری استان تهران، ۱۳۹۰). این ناحیه از لحاظ موقعیت ریاضی در ۵۱ درجه و ۴۰ دقیقه طول و ۳۵ درجه و ۲۸ دقیقه عرض جغرافیایی قرار دارد (شکل ۲).



شکل ۲: محدوده جغرافیایی مورد مطالعه و روستاهای نمونه

## مواد و روش‌ها

برای بررسی وضع موجود برنامه‌ریزی با رویکرد متخصص محور در ناحیه مورد مطالعه، تحقیق حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر مجموع ۱۲۴ روستا در ناحیه همگن جغرافیایی، یعنی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های پاکدشت و ری در پیرامون کلانشهر تهران می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه تصادفی در تکمیل پرسشنامه مسئولین و مطلعین محلی در سطح روستاها، در مرحله اول، از طریق فرمول کوکران و فرمول تعدیل آن برای جامعه آماری کوچک، با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت احتمالی ۰/۰۵ و پیش برآورد واریانس  $S^2=0/25$  حجم

نمونه برابر  $(n=54)$  تعیین شد. در فراگرد انجام کار برای بررسی برقراری رابطه معناداری متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن و کندال تاؤوبی برای داده‌های ترتیبی در مقیاس طیفی لیکرت استفاده شده است. همچنین، برای شدت اثرات مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر از رگرسیون استفاده شده است. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های مورد بررسی در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. روایی صوری پرسشنامه تحقیق توسط خبرگان و متخصصان صاحب‌نظر در ارتباط با موضوع پژوهش و با اجرای نظرخواهی از آن‌ها انجام شده است. پایایی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰۰ می‌باشد که گویای پایایی بالای پرسشنامه پژوهش است (جدول ۳).

جدول ۱: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های مورد بررسی

مؤلفه اثرگذار	شاخص	گویه
توانمندسازی روستاییان	دانش و مهارت و توسعه منابع انسانی	آگاهی مردم نسبت به حقوق و حقوق خود
		آگاهی مردم نسبت به اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی و غیر عمرانی در کنار برنامه‌ریزان
		راه‌اندازی دوره‌های آموزشی و ترویجی برای مراقبت از منابع طبیعی
		آگاهی روستاییان برای پیگیری مراحل گوناگون برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها
		سرمایه‌گذاری نهادهای مسئول در ارتباط با استخدام نیروهای ترویج و کارگروه‌های آموزشی در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی
		میزان سرمایه‌گذاری نهادهای مسئول در ارتباط با استخدام نیروهای ترویج و کارگروه‌های آموزشی در ارتباط با فعالیت‌های غیر کشاورزی
		دسترسی به فرصت‌های آموزشی موجود در ارتباط با مسائل گوناگون
		برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده جهت بهبود روش‌های تولید کشاورزی
		برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده به روستاییان جهت بهبود روش‌های تولید غیر کشاورزی
		برگزاری دوره‌های متنوع آموزشی صنایع‌دستی، کارگاه‌های متنوع حرفه‌آموزی برای زنان و مردان
		برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده به روستاییان جهت حفظ محیط‌زیست و کشاورزی پایدار
		دانش و مهارت‌های حرفه‌ای روستاییان در رابطه با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی
		دانش و مهارت گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر
		مهارت روستاییان برای تأمین و بهره‌مندی از امکانات خدماتی موردنیاز
شفاف‌سازی	دانش و مهارت و توسعه منابع انسانی	فراهم‌سازی محیط کار کشاورزی مناسب
		فراهم‌سازی محیط کار غیر کشاورزی مناسب
		استفاده از تجربه‌ها و دانش بومی روستاییان در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها
		استفاده از تجربه‌ها و دانش بومی روستاییان برای ارتقاء تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی
		مشخص و روشن بودن هدف‌ها و سیاست‌های برنامه‌ریزی برای روستاییان
		شفاف‌سازی نهادهای مسئول در زمینه آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به طرح‌های توسعه
توانمندسازی روستاییان	دانش و مهارت و توسعه منابع انسانی	شفاف و روشن بودن هدف از اجرای طرح‌های گوناگون توسعه‌ای
		شفاف و روشن بودن اولویت‌بندی اجرای طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون توسعه‌ای
		شفاف بودن تخصیص اعتبار و میزان آن برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون توسعه‌ای
		شفاف بودن تصمیم‌گیری‌ها، نهادهای مسئول فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و عمرانی

مصمم کردن افراد در انجام کارهای کشاورزی	شایستگی
مصمم کردن افراد در انجام کارهای غیر کشاورزی	
خطرپذیری در انجام فعالیت‌های غیر کشاورزی	
خلاقیت افراد در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی	
بالا بردن اعتماد به نفس	معنی‌داری
ایجاد مؤسسات هدفمند برای تقویت شایستگی‌ها و توانایی‌ها	
احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در زمینه فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی	
ایجاد احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در زمینه فعالیت‌های گوناگون عمرانی و زیربنایی	
ایجاد احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری مسئولین محلی در زمینه حل مسائل متعدد روستا	خود تعیینی
انگیزه لازم را در روستاییان برای فراگیری مراحل برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها	
اختیار لازم برای انجام امور مربوط به بهبود فعالیت کشاورزی	
اختیار لازم برای انجام امور مربوط به بهبود فعالیت غیر کشاورزی به افراد	
پیشگام شدن روستاییان در انجام کارهای (داوطلبانه) در امور اجتماعی و اقتصادی	اعتماد، اطمینان
پیشگام شدن روستاییان در انجام کارهای (داوطلبانه) برای حل مسائل زیربنایی	
ایجاد روحیه صداقت و روراستی و حس اعتماد به یکدیگر	
تفاهم جمعی در انجام امور اجتماعی و اقتصادی	
تفاهم جمعی در انجام امور عمرانی و زیربنایی	همدلی و پاسخگویی
اعتماد روستاییان نسبت به مناسب بودن اجرای طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی	
اطمینان لازم در روستاییان نسبت به موفقیت‌آمیز بودن اجرای طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی	
ایجاد حس همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم‌گیرنده و روستاییان	
در شکل‌پذیری نهادها و سازمان‌های متعدد و مجزای تصمیم‌گیری	تأثیر و اثربخشی
همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم‌گیرنده	
همدلی و دلسوزی مسئولین و مدیران با مردم	
درک شرایط و مشکلات گروه‌های روستایی آسیب‌پذیر توسط نهادهای مسئول	
همدلی ساکنین با یکدیگر در امور و مسائل گوناگون اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و عمرانی	نهادگرایی و تشکل‌سازی
پاسخگو بودن مدیران و برنامه‌ریزان در برابر عملکرد خود	
توجه و نظارت ساکنین در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی	
ایجاد ابتکار عمل در فعالیت‌های کشاورزی	
ایجاد ابتکار عمل در فعالیت‌های غیر کشاورزی	مشارکت
انجام درست کارها در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی	
تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل‌های مردمی - محلی برای مشارکت بیشتر در توسعه محلی	
ایجاد بنگاه‌های خدماتی و اقتصادی	
ایجاد و تقویت تشکل‌های محلی	مشارکت
ایجاد و تقویت نهادهای مالی - اعتباری خرد و غیردولتی	
ایجاد و تقویت نهادها و گروه‌های کار محلی برای حفاظت از منابع طبیعی	
مشورت در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها	
پایبندی مدیران و مسئولین برای مشارکت دادن روستاییان و مسئولین محلی	مشارکت
ارتباط بین مدیران با دهیاری و شورای اسلامی برای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها	
فراهم کردن زمینه تعامل و مشارکت کارشناسان با روستاییان در ارتباط با فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی	
تدوین قوانین مناسب برای جلب نظر و تضمین مشارکت عمومی و جمعی	
دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های گوناگون	مشارکت
دخالت مردم در تدوین برنامه‌ها و اجرای طرح‌ها	
شراکت در منافع حاصل از طرح‌های توسعه	



ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌ها	تنظیم روابط عناصر قدرت
مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی	
همکاری و مشارکت روستاییان با یکدیگر در فعالیتهای کشاورزی و بهبود آن	
همکاری و مشارکت روستاییان با یکدیگر در فعالیتهای غیر کشاورزی	
تعامل میان مردم، مدیر و برنامه‌ریزان برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها	
روابط میان مردم، مدیر و برنامه‌ریزان	

جدول ۲: مؤلفه اثرپذیر، شاخص‌ها و گویه‌های مرتبط

مؤلفه اثرپذیر	ابعاد	معیار	گویه	
توسعه سکونتگاه‌های روستایی	محیطی - اکولوژیک	بهبود منابع سرزمین	بهبود وضعیت اراضی مرتعی	
			بهبود کمیت و کیفیت زمین‌های کشاورزی	
			کم شدن فرسایش و حفظ کیفیت خاک	
			بهبود وضعیت دامداری در روستا	
			کاهش آب‌های سطحی و زیرزمینی	
	اجتماعی - فرهنگی	بهبود بهداشت محیط	بهبود وضعیت سلامت مردم	بهبود وضعیت امنیت اجتماعی روستا
				بهبود نحوه جمع‌آوری و دفع زباله در روستا
				ارتقاء کیفیت زندگی از طریق فرصت‌ها برای تحصیلات، آموزش، خدمات
				بهبود کیفیت اشتغال و درآمدزایی
				بازسازی و نوسازی مسکن روستایی
اقتصادی	بهبود مشارکت	بهبود وضعیت روستاییان در دسترسی به اینترنت	کاهش مهاجرت روستاییان	
			بهبود وضعیت تشکلهای محلی در روستا	
			بهبود فعالیتهای فرهنگی و هنری	
			بهبود مشارکت روستاییان (مشارکت جمعی) در انجام کارهای روستا	
			بهبود و رفع فقر روستاییان	
کابردی - زیرساختی	بهبود عدالت و رفاه اقتصادی	بهبود عدالت و رفاه اقتصادی	بهبود کاهش آسیب‌پذیری روستاییان	
			بهبود کارایی روستاییان	
			بهبود نرخ پس‌انداز پول در بانک	
			بهبود سطح درآمد	
			بهبود واحدهای مسکونی نوساز	
	بهبود دسترسی به خدمات	بهبود مسکن روستایی	تعداد و مساحت واگذاری زمین‌ها برای ساخت واحدهای مسکونی	بهبود وضعیت واحدهای مسکونی مهندسی ساز
				بهبود مسکن‌های بهسازی و مقاوم‌سازی شده روستایی
				بهبود مسکن غیراستاندارد
				بهبود خدمات زیرساختی و رفاهی
				بهبود دسترسی به خدمات
بهبود وضعیت کاربری‌های تجاری مانند مغازه‌ها	بهبود وضعیت کاربری‌های آموزشی مانند مدارس	بهبود دسترسی به خدمات	بهبود دسترسی به بازارها برای فروش محصولات	
			بهبود وضعیت کاربری‌های تجاری مانند مغازه‌ها	
			بهبود وضعیت کاربری‌های آموزشی مانند مدارس	

بهبود وضعیت معابر روستا			
-------------------------	--	--	--

جدول ۳: پایایی پرسشنامه پژوهش

ضریب آلفای کرونباخ	انحراف استاندارد	واریانس	میانگین کل داده‌ها
۰/۹۰۰	۴۲/۵۳۶	۱۸۰۹/۲۹۸	۲/۸۱

### نتایج

#### توصیف ویژگی‌های فردی پاسخگویان

در این قسمت، با بهره‌گیری از داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه، به بیان آمار توصیفی ویژگی‌هایی از قبیل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، شغل و وضعیت تحصیلات پاسخگویان پرداخته شده است. براساس اطلاعات به دست آمده از ویژگی‌های فردی پاسخگویان، در سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مورد مطالعه، از مجموع ۵۴ پرسشنامه‌ای که توسط مسئولین محلی و مطلعین در روستاهای نمونه تکمیل شد، ۶۸/۵ درصد از پاسخگویان مرد و حدود ۳۱/۵ درصد زن بوده

است. براساس نتایج به دست آمده از بین ۶ گروه سنی، بیشترین درصد پاسخگویان، افراد متعلق به گروه سنی ۲۵-۳۵ معادل ۴۰/۷ درصد بوده است. از کل ۵۴ پاسخ‌دهنده در سکونتگاه‌های روستایی مورد بررسی بیشترین افراد کارمند که معادل ۲۹/۶ درصد بوده و کمترین افراد دامدار با ۱/۹ درصد بوده است. به لحاظ سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان بیشترین افراد دارای کاردانی و کارشناسی با ۴۴/۴ درصد و کمترین سطح تحصیلات در گروه باسواد (در حد خواندن و نوشتن) با ۵/۶ درصد بوده است (جدول ۴).

جدول ۴: توزیع فراوانی و درصد ویژگی‌های فردی پاسخگویان

درصد	فراوانی	شرح	درصد	فراوانی	شرح
۵/۵۵	۳	باسواد	۶۸/۵۱	۳۷	مرد
۱۱/۱۱	۶	راهنمایی	۳۱/۴۸	۱۷	زن
۳۱/۴۸	۱۷	دبیرستان (دیپلم)	۱۰۰	۵۴	جمع
۴۴/۴۴	۲۴	کاردانی و کارشناسی	۴۰/۷۴	۲۲	۲۵-۳۵
۷/۴۰	۴	کارشناسی ارشد و بالاتر	۳۵/۱۸	۱۹	۳۶-۴۶
۲۹/۶۲	۱۶	کارمند	۲۰/۳۷	۱۱	۴۷-۵۷
۲۴/۰۷	۱۳	آزاد	۱/۸۵	۱	۵۷-۶۷
۱۶/۶۶	۹	کشاورز	۱/۸۵	۱	بالای ۶۷
۱/۹	۱	دامدار	۱۰۰	۵۴	جمع
۲۷/۷۷	۱۵	سایر موارد			

#### بررسی رابطه بین مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر

با استفاده از سنجه پیوند اسپیرمن، رابطه هرکدام از مؤلفه‌های توانمندسازی با مؤلفه‌های توسعه پایدار، موردسنجش و ارزیابی قرار گرفته. مطابق جدول ۵ نتیجه به دست آمده وجود رابطه معنادار (پایین‌تر از آلفا ۰/۰۵) بین مؤلفه‌های آموزش و

آگاهی بخشی، دانش و مهارت و توسعه منابع انسانی، اعتماد و اطمینان، مشارکت در برنامه‌ریزی با مؤلفه توسعه پایدار نشان می‌دهد. بدین ترتیب، با ارتقا سطح شاخص‌های نامبرده شده در برنامه‌ریزی روستاهای مورد مطالعه، سطح توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی نیز افزایش خواهد

کارهای داوطلبانه برای حل مسائل زیربنایی باعث بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی نشده است. بین مؤلفه تأثیر و اثربخشی با توسعه پایدار به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی کم توجهی به ایجاد ابتکار عمل در فعالیتهای کشاورزی، انجام درست کارها در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی متأثر از رویکرد حاکم بر فراگرد برنامه ریزی موجب بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی نشده است. بین مؤلفه نهادگرایی و شکل سازی با توسعه به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین نگرش حاکم بر برنامه ریزی به گونه ای بوده که تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکل های مردمی - محلی برای مشارکت بیشتر در توسعه محلی، ایجاد بنگاه های خدماتی و اقتصادی، ایجاد و تقویت تشکل های محلی، ایجاد و تقویت نهادهای مالی - اعتباری خرد و غیردولتی، ایجاد و تقویت نهادها و گروه های کار محلی برای حفاظت از منابع طبیعی مدنظر قرار نداده و این مسئله موجب بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی نشده است. بین مؤلفه تنظیم روابط میان عناصر قدرت با توسعه به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی نبود تعامل میان مردم، مدیر و برنامه ریزان برای اجرای طرح ها و پروژه ها، روابط میان مردم، مدیر و برنامه ریزان در فراگرد برنامه ریزی زمینه بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی را فراهم نکرده است.

یافت. بین مؤلفه شایستگی با توسعه پایدار به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی کم توجهی به مصمم کردن افراد در انجام کارهای کشاورزی و غیر کشاورزی، خطرپذیری در انجام فعالیتهای غیر کشاورزی، خلاقیت افراد در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی، بالا بردن اعتماد به نفس روستاییان، ایجاد مؤسسات هدفمند برای تقویت شایستگی ها و توانایی ها متأثر از رویکرد حاکم بر فراگرد برنامه ریزی موجب توسعه پایدار روستایی نشده است. بین مؤلفه معنی داری با توسعه پایدار به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین ایجاد احساس تعلق و مسئولیت پذیری در روستاییان در زمینه فعالیتهای گوناگون اجتماعی و اقتصادی، ایجاد احساس تعلق و مسئولیت پذیری در روستاییان در زمینه فعالیتهای گوناگون عمرانی و زیربنایی، ایجاد احساس تعلق و مسئولیت پذیری مسئولین محلی در زمینه حل مسائل متعدد روستا، انگیزه لازم در روستاییان برای فراگیری مراحل برنامه ریزی و اجرای پروژه ها متأثر از رویکرد حاکم بر فراگرد برنامه ریزی در سطح پایینی بوده است. بین مؤلفه خود تعین با توسعه پایدار به دلیل بالاتر بودن میزان sig از آلفا ۰/۰۵، رابطه معناداری نیست. بدین ترتیب نبود اختیار لازم برای انجام امور مربوط به بهبود فعالیت کشاورزی و غیر کشاورزی به افراد، پیشگام شدن روستاییان در انجام کارهای داوطلبانه در امور اجتماعی و اقتصادی، پیشگام شدن روستاییان در انجام

جدول ۵: بررسی رابطه بین مؤلفه های اثرگذار و اثرپذیر براساس دیدگاه مسئولین محلی و مطلعین

وجود رابطه	Spearman Test		مؤلفه اثرپذیر	گویه ها	شاخص ها
	ضریب همبستگی	سطح معنی داری			

دارد	۰/۴۰۸	۰/۰۰۲	توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی	آگاهی مردم نسبت به حق و حقوق خود	آموزش و آگاهی بخشی	
دارد	۰/۳۴۷	۰/۰۱۰		آگاهی مردم نسبت به اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی و غیر عمرانی در کنار برنامه‌ریزان		
دارد	۰/۴۲۹	۰/۰۰۱		راه‌اندازی دوره‌های آموزشی و ترویجی برای مراقبت از منابع طبیعی		
دارد	۰/۴۴۴	۰/۰۰۱		آگاهی روستاییان برای پیگیری مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها		
دارد	۰/۲۳۸	۰/۰۵۴		سرمایه‌گذاری نهادهای مسئول در ارتباط با استخدام نیروهای ترویج و کارگروه‌های آموزشی در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی		
دارد	۰/۳۱۶	۰/۰۲۰		میزان سرمایه‌گذاری نهادهای مسئول در ارتباط با استخدام نیروهای ترویج و کارگروه‌های آموزشی در ارتباط با فعالیتهای غیر کشاورزی		
دارد	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰		دسترسی به فرصتهای آموزشی موجود در ارتباط با مسائل مختلف		
دارد	۰/۳۶۸	۰/۰۰۶		برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده جهت بهبود روش‌های تولید کشاورزی		
دارد	۰/۲۷۷	۰/۰۴۲		برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده به روستاییان جهت بهبود روش‌های تولید غیر کشاورزی		
دارد	۰/۵۲۹	۰/۰۰۰		برگزاری دوره‌های متنوع آموزشی صنایع‌دستی، کارگاه‌های متنوع حرفه‌آموزی برای زنان و مردان		
دارد	۰/۵۱۰	۰/۰۰۰		برنامه‌های آموزشی ارائه‌شده به روستاییان جهت حفظ محیط‌زیست و کشاورزی پایدار		
دارد	۰/۴۷۱	۰/۰۰۰		دانش و مهارت‌های حرفه‌ای روستاییان در رابطه با فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی		دانش و مهارت
دارد	۰/۳۵۹	۰/۰۰۸		دانش و مهارت گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر		
دارد	۰/۴۴۶	۰/۰۰۱	مهارت روستاییان برای تأمین و بهره‌مندی از امکانات خدماتی موردنیاز			
دارد	۰/۳۰۶	۰/۰۲۴	فراهم‌سازی محیط کار کشاورزی مناسب			
دارد	۰/۴۱۸	۰/۰۰۲	فراهم‌سازی محیط کار غیر کشاورزی مناسب			
دارد	۰/۴۹۷	۰/۰۰۰	استفاده از تجربه‌ها و دانش بومی روستاییان در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها			
دارد	۰/۳۳۰	۰/۰۱۵	استفاده از تجربه‌ها و دانش بومی روستاییان برای ارتقاء تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی	شایستگی		
دارد	۰/۲۵۷	۰/۰۵۱	مصمم کردن افراد در انجام کارهای کشاورزی			
دارد	۰/۲۹۱	۰/۰۳۳	مصمم کردن افراد در انجام کارهای غیر کشاورزی			
ندارد	۰/۰۶۴	۰/۶۴۷	خطرپذیری در انجام فعالیتهای غیر کشاورزی			
ندارد	۰/۰۸	۰/۵۶۲	خلاقیت افراد در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی			
ندارد	۰/۰۳۲	۰/۸۲۰	بالا بردن اعتماد به نفس			
ندارد	۰/۲۹۲	۰/۰۶۲	ایجاد مؤسسات هدفمند برای تقویت شایستگی‌ها و توانایی‌ها	معنی‌داری		
ندارد	۰/۰۲۴	۰/۸۶۴	ایجاد احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در روستاییان در زمینه فعالیتهای مختلف اجتماعی و اقتصادی			
ندارد	۰/۱۵۵	۰/۲۶۴	ایجاد احساس تعلق و مسئولیت‌پذیری در روستاییان در زمینه فعالیتهای مختلف عمرانی و زیربنایی			
ندارد	۰/۱۳۲	۰/۳۴۳	انگیزه لازم را در روستاییان برای فراگیری مراحل برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌ها			
ندارد	۰/۱۰۴	۰/۴۵۴	اختیار لازم برای انجام امور مربوط به بهبود فعالیت کشاورزی	خودتعیینی		
ندارد	۰/۰۲۵	۰/۸۵۶	اختیار لازم برای انجام امور مربوط به بهبود فعالیت غیر کشاورزی به			

			افراد	
ندارد	۰/۱۰۱	۰/۴۶۹	پیشگام شدن روستاییان در انجام کارهای (داوطلبانه) در امور اجتماعی و اقتصادی	
ندارد	۰/۰۴۸	۰/۷۳۴	پیشگام شدن روستاییان در انجام کارهای (داوطلبانه) برای حل مسائل زیربنایی	
دارد	۰/۳۰۰	۰/۰۲۸	ایجاد روحیه صداقت و روراستی و حس اعتماد به یکدیگر	اعتماد و اطمینان
دارد	۰/۳۱۳	۰/۰۲۱	تفاهم جمعی در انجام امور اجتماعی و اقتصادی	
دارد	۰/۵۱۹	۰/۰۰۰	تفاهم جمعی در انجام امور عمرانی و زیربنایی	
دارد	۰/۲۸۷	۰/۰۳۶	اعتماد روستاییان نسبت به مناسب بودن اجرای طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی	
دارد	۰/۵۷۹	۰/۰۰۰	اطمینان لازم در روستاییان نسبت به موفقیت‌آمیز بودن اجرای طرح‌های عمرانی و غیر عمرانی	
دارد	۰/۶۷۸	۰/۰۰۰	ایجاد حس همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم‌گیرنده و روستاییان در شکل‌پذیری نهادها و سازمان‌های متعدد و مجزای تصمیم‌گیری	
دارد	۰/۲۷۹	۰/۰۴۳	همکاری و صمیمیت بین نهادهای تصمیم‌گیرنده	
دارد	۰/۳۳۴	۰/۰۱۴	ایجاد ابتکار عمل در فعالیتهای کشاورزی	تأثیر و اثربخشی
ندارد	۰/۱۰۴	۰/۴۵۶	ایجاد ابتکار عمل در فعالیتهای غیر کشاورزی	
ندارد	۰/۱۹۱	۰/۱۷۲	انجام درست کارها در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی	نهادگرایی و تشکلسازی
ندارد	۰/۲۴۲	۰/۰۷۸	تشکیل و تقویت نهادهای غیردولتی، تشکلهای مردمی - محلی برای مشارکت بیشتر در توسعه محلی	
ندارد	۰/۲۳۸	۰/۰۸۷	ایجاد بنگاه‌های خدماتی و اقتصادی	
ندارد	۰/۰۳۳	۰/۸۱۴	ایجاد و تقویت تشکلهای محلی	
ندارد	۰/۱۰۰	۰/۴۷۳	ایجاد و تقویت نهادهای مالی - اعتباری خرد و غیردولتی	
ندارد	۰/۱۸۰	۰/۱۹۷	ایجاد و تقویت نهادها و گروه‌های کار محلی برای حفاظت از منابع طبیعی	
ندارد	۰/۰۶۰	۰/۶۶۴	مشورت در اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها	
ندارد	۰/۰۹۰۰	۰/۴۳۲	پایبندی مدیران و مسئولین برای مشارکت دادن روستاییان و مسئولین محلی	مشارکت
دارد	۰/۳۲۲	۰/۰۱۸	برقراری ارتباط بین مدیران و برنامه‌ریزان با دهیاری و شورای اسلامی برای مشارکت در برنامه‌ها و پروژه‌ها	
دارد	۱۰۰	۰/۰۰۴	فراهم کردن زمینه تعامل و مشارکت کارشناسان با روستاییان در ارتباط با فعالیتهای کشاورزی و غیر کشاورزی	
دارد	۰/۲۹۰	۰/۰۳۴	تدوین قوانین مناسب برای جلب نظر و تضمین مشارکت عمومی و جمعی	
دارد	۰/۳۳۷	۰/۰۱۴	دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف	
دارد	۰/۲۴۶	۰/۰۵۳	دخالت مردم در تدوین برنامه‌ها و اجرای طرح‌ها	
دارد	۰/۶۳۵	۰/۰۵۵	شراکت در منافع حاصل از طرح‌های توسعه	
دارد	۰/۱۵۵	۰/۰۰۱	ارزشیابی طرح‌ها و برنامه‌ها	
دارد	۰/۲۲۵	۰/۰۰۱	مشارکت روستاییان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی و عمرانی	
دارد	۰/۴۳۹	۰/۰۰۱	همکاری و مشارکت روستاییان با یکدیگر در فعالیتهای کشاورزی و بهبود آن	
دارد	۰/۲۴۵	۰/۰۵۴	همکاری و مشارکت روستاییان با یکدیگر در فعالیتهای غیر کشاورزی	

دارد	۰/۲۳۹	۰/۰۴۰	تعامل میان مردم، مدیر و برنامه‌ریزان برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها	تنظیم روابط میان عناصر قدرت
دارد	۰/۳۰۵	۰/۰۲۵		

**ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های توانمندسازی بر توسعه پایدار روستایی**

آزمون‌های همبستگی نشان داد شاخص‌های موردتوجه در فراگرد برنامه‌ریزی در راستای توانمندسازی ذی‌نفعان محلی، مؤلفه‌های آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت بوده است که در توسعه پایدار روستایی اثر گذاشته است. شاخص‌های دیگر به دلیل اینکه رابطه همبستگی آن‌ها مطابق جدول ۵ معنی‌دار نشد و در سطح

پایینی قرار دارند از مدل رگرسیون حذف گردیدند. براساس نتایج به دست آمده جدول ۶ میان دو مؤلفه‌ی توانمندسازی در فراگرد برنامه‌ریزی با توسعه به میزان ۰/۳۳۵ همبستگی وجود دارد؛ و شاخص‌های توانمندسازی روستاییان به میزان ۱۱/۲ درصد تبیین کننده بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی است.

جدول ۶: نتایج رگرسیون شاخص‌های اثرگذار مؤلفه توانمندسازی بر توسعه روستاهای ناحیه مورد مطالعه

مدل	ضریب همبستگی چندگانه $r$	ضریب تعیین $R^2$	ضریب تعیین تعدیل شده $R_{adj}$	اشتباه معیار
۱	۰/۳۳۵	۰/۱۱۲	۰/۰۷۷	۰/۶۱۱

همچنین، براساس مقدار محاسبه شده برای  $F$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، می‌توان گفت که از نظر مسئولین محلی، ترکیب خطی مؤلفه اثرگذار به‌طور معناداری قادر به تبیین و پیش‌بینی

تغییرات مؤلفه اثرپذیر سطح توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه مورد مطالعه است (جدول ۷).

جدول ۷: معناداری رگرسیون شاخص‌های اثرگذار مؤلفه توانمندسازی بر توسعه پایدار روستاهای ناحیه مورد مطالعه ANOVA(b)

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی $df$	میانگین مربعات	F	سطح معناداری $sig$
اثر رگرسیونی	۲/۳۹۸	۲	۱/۱۹۹	۰/۲۱۴	۰/۰۴۸
باقیمانده	۱۹/۰۲۸	۵۱	۰/۳۷۳		
کل	۲۱/۴۲۶	۵۳			

$a$  Predictors: آموزش و آگاهی بخشی، مهارت  
 $b$  Dependent Variable: توسعه پایدار روستایی

درنهایت، براساس ضریب استاندارد شده تأثیر مؤلفه اثرگذار بر مؤلفه اثرپذیر، نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی متأثر از ۲ شاخص بوده که در این میان آموزش و آگاهی بخشی در شرایط موجود

بیشترین میزان تأثیر را بر توسعه پایدار روستایی داشته است (جدول ۸). بر این شالوده، براساس دیدگاه پاسخگویان، در حال حاضر شاخص‌های شایستگی، معنی‌داری، خود تعیینی، اعتماد و اطمینان، تأثیر، مشارکت،

نهادگرایی در تبیین توسعه پایدار روستایی جایگاه خود را نیافته است. تنها شاخص‌های معنی‌دار آموزش و آگاهی بخشی و دانش و مهارت می‌باشند. یافته‌های پژوهش حاضر از این جهت که رویکرد برنامه‌ریزی متخصص محور، غیرمشارکتی است، به شاخص‌های ارتقاء دهنده

توانمندسازی از جمله آموزش و آگاهی‌بخشی، دانش و مهارت که بیشترین تاثیر را بر توسعه پایدار دارند کم‌توجهی می‌کند با یافته‌های آلمندینگر ۲۰۰۲، فولی و لایوریا ۲۰۰۰، پائول ۱۹۸۷، ایساک و هرللال ۱۹۹۷ مطابقت دارد.

جدول ۸: ضرایب میزان شدت تأثیرات شاخص‌های مؤلفه اثرگذار و اثرپذیر (a) Coefficients

مدل	شرح	ضریب استاندارد		T	سطح معناداری sig
		std	B		
۱	آموزش و آگاهی بخشی	۰/۱۴۴	۰/۲۲۹	۱/۵۹۲	۰/۰۰۰
	دانش و مهارت	۰/۱۶۸	۰/۱۷۰	۱/۰۱۲	۰/۰۰۰

a Dependent Variable: توسعه پایدار روستایی

### نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق به منظور ارزیابی وضع موجود ناحیه مورد مطالعه بیانگر این است که از دیدگاه پاسخگویان مسئولین محلی و مطلعین روستایی، میزان شایستگی، معنی‌داری، خود تعیینی، اعتماد و اطمینان، تأثیر و اثربخشی، نهادگرایی و تشکل سازی، مشارکت در سطح پایینی بوده که با بهبود آن می‌تواند در بهبود ابعاد توسعه پایدار روستایی اثرگذار شود. همچنین براساس آزمون همبستگی، رویکرد حاکم بر برنامه‌ریزی زمینه بهبود ابعاد توسعه پایدار را به جز در بعد کالبدی - زیرساختی موجب نشده است. به گونه‌ای که پیامدهای آن در بعد محیطی - اکولوژیک، بهبود نیافتن وضعیت اراضی مرتعی، کمیت و کیفیت زمین‌های کشاورزی، کم شدن فرسایش و حفظ کیفیت خاک، وضعیت آب‌های سطحی و زیرزمینی و کمیت و کیفیت آب، وضعیت سیستم فاضلاب و بهبود نحوه جمع‌آوری و دفع زباله، در بعد

اجتماعی شامل بهبود نیافتن رفع فقر روستاییان، کاهش آسیب‌پذیری، کارایی روستاییان، بهبود نرخ پس‌انداز پول در بانک و سطح درآمد در نواحی روستایی، در بعد اقتصادی شامل بهبود نیافتن وضعیت سلامت مردم، امنیت اجتماعی روستا، کیفیت زندگی از طریق فرصت‌ها برای تحصیلات، آموزش، خدمات، کیفیت اشتغال و درآمدزایی، بازسازی و نوسازی مسکن روستایی، مهاجرت روستاییان، وضعیت تشکلهای محلی در روستا، فعالیت‌های فرهنگی و هنری و همچنین بهبود مشارکت روستاییان در انجام کارهای روستا در ناحیه مورد مطالعه می‌باشد؛ اما به لحاظ کالبدی سطح کمی و کیفی مسکن روستایی بهبود یافته و دسترسی روستاییان به خدمات زیرساختی و رفاهی، بازارها برای فروش محصولات، کاربری‌های تجاری و آموزشی و وضعیت معابر روستا افزایش یافته است.

### پانویس

1-Technicalist  
2-Expert-oriented

3-Up - down

## منابع

- ازکیا، م. و غفاری، غ.، ۱۳۸۸. توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، چاپ سوم، نشر نی، ۳۲۴ ص.
- احمدی ترشیزی، م.، ۱۳۸۷. ظرفیت‌سازی، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، چاپ اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۹۰۰ ص.
- بهزاد نسب، ج.، ۱۳۸۹. تحلیل و تعیین فراگرد مطلوب انجام برنامه‌ریزی توسعه روستایی در کشور براساس رویکرد برنامه‌ریزی ارتباطی، روستا و توسعه، دوره ۱۳ شماره ۴، ص ۵۱ - ۷۴.
- راسل، ل.ا.، ۱۳۸۶. برنامه‌ریزی تعاملی مدیریت هماهنگ با تحول برای ساختن آینده سازمان، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، چاپ دوم، نشر مرکز، ۳۳۳ ص.
- Allmendinger, P., 2002. Towards a post-positivist typology of planning theory, *Planning theory*, v. 1(1), p. 77-99.
- Amdam, J., 2005. Spatial planning in rural areas, In *Collection of Papers-AESOP 2005 Congress*, Vienna University of Technology, Austria, v. (1), p. 15-29.
- Amundsen, S. and Martinsen, Ø.L., 2015. Linking empowering leadership to job satisfaction, work effort, and creativity: The role of self-leadership and psychological empowerment, *Journal of Leadership & Organizational Studies*, v. 22(3), p. 304-323.
- Draft Louth Country Development Plan, 2014. Volume 1 Written Statement, 324 p.
- Fernandez, S. and Moldogaziev, T., 2013. Employee empowerment and job satisfaction in the US Federal Bureaucracy: A self-determination theory perspective, *The American review of public administration*, v. 45(4), p. 375-401.
- Foley, J. and Lauria, M., 2000. Plans, planning and tragic choices, *Planning Theory & Practice*, v. 1(2), p. 219-233.
- Healey, P., 1997. Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies, *UBc Press*, 340 p.
- Healey, P., 2004. The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe, *International journal of urban and regional research*, v. 28(1), p. 45-67.
- Isaac, T.T. and Harilal, K.N., 1997. Planning for empowerment: People's campaign for decentralised planning in Kerala, *Economic and Political Weekly*, p. 53-58.
- Kanter, R., 1993. *Men and Women of the Corporation*, 2nd, Basic Book, New York, 416 p.



- Kennedy, M., 1996. Transformative Community Planning: Empowerment through Community Development, Prepared for the 1996 Planners Network Conference, p. 12-13.
- Martens, K., 2001. Communicative planning theory: change needed to change practice, reflections, v. 5(3), p. 283-306.
- Ondrik, R.S., 1999. Participatory approaches to national development planning. Framework for Mainstreaming Participatory Development Processes into Bank Operations, Asian Development Bank (ADB), p. 1-15, Available in: <http://docplayer.net/44171202-Participatory-approaches-to-national-development-planning-richard-s-ondrik-asian-development-bank.html> [Accessed 10/04/2020].
- Paul, S., 1987. Community participation in development projects, Washington, DC: World Bank, p. 1-52.
- Shafieisabet, N. and Mirvahedi, N., 2019. Policies and Planning Approach: Challenges and Opportunities for Local Stakeholders' Empowerment and Sustainable Development (Case Study: South and South-East Villages of Tehran), Journal of Research and Rural Planning, v. 8 (4), p. 127-147.
- United Nations, 2005. Decentralization: Poverty Reduction, Empowerment and Participation, Department of Economic and Social Affairs, p. 1-185.